

حمایت از شهود یا مطلعین در قانون آیین دادرسی کیفری ایران

حمید رئوفیان^۱

چکیده

حمایت از شاهد که از وی به عنوان چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری تعبیر می‌شود از جمله مباحث بنیادین حوزه اجرای عدالت کیفری است. شهادت شاهد از دلایل قاطع اثبات دعوی در قوانین تمامی کشورها و سطح جامعه بین‌الملل به شمار می‌آید. شهود، مطلعین و مخبرین ممکن است در طول فرآیند دادرسی کیفری همواره در معرض تهدیدها و تعدی نسبت به جان، عرض، مال خود یا بستگانشان قرار گیرند. این اهمیت زمانی بیشتر نمایان خواهد شد که شهود از قشر آسیب‌پذیر (زنان، نوجوانان و سالمندان) بوده یا جرم از درجه اهمیت بالایی (جرائم سازمان یافته، تروریستی، قاچاق مواد مخدر و جرائم خشن) برخوردار باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی اقدامات تدبیر شده در قانون آیین دادرسی کیفری ایران با نگاهی مختصر به رویه محاکم می‌باشد. حمایت مالی از شاهد، حمایت از امنیت روانی و امنیت جسمانی شاهد از جمله ساز و کارهای تدبیر شده جهت ترغیب شهود به همکاری با دستگاه عدالت کیفری می‌باشد که در این راستا از اقداماتی مانند کتمان هویت شهود، حفاظت فیزیکی از شهود، تکریم، تغییر شغل و محل اسکان و جبران خسارات وارده به شاهد بهره می‌برند. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این گونه حمایت‌ها می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: شاهد، حمایت از شاهد، برنامه‌های حمایتی، کتمان هویت

مقدمه

دادرسی کیفری هیچ گاه هدف یک سیستم عدالت کیفری نبوده، بلکه همواره وسیله ای برای احراز حقیقت و اجرای عدالت بوده است. برای تحقق این منظور، لازم است مجموعه ضوابط و شرایطی در جریان این فرآیند رعایت شود، تا نتیجه‌ی حاصل از فرآیند کیفری تا حد امکان قابل اطمینان شود. این ضوابط و شرایط از یک سو ناظر به حقوق و تکالیف اشخاص درگیر در این فرآیند و از سوی دیگر ناظر به صلاحیت، تشکیلات و مسؤولیت‌های نهادهای دست‌اندرکار عدالت کیفری است.

تکلیف وضع قوانین و مقررات در مورد شهود در نظام حقوقی داخلی، به موجب بند ۲ سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸ مقام رهبری، تحت عنوان «نظام‌مند کردن استفاده از بینه و یمین در دادگاه‌ها» از تکالیف قوه قضاییه تعیین شد. در سال ۱۳۸۲ هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ بنا به پیشنهاد شماره ۸۸-۱۶ ک مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۶ نهاد ریاست جمهوری و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی، «برنامه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» را تصویب نمود که به موجب بند ۲ آن «به منظور پیشگیری از بروز فساد در کلیه دستگاه‌ها، سازمان‌های دولتی و عمومی و مؤسسات و سازمان‌های وابسته به آنها و ارتقای سلامت در نظام اداری و اجرایی کشور، کلیه دستگاه‌های مشمول این برنامه» موظف شده بودند لوایح مندرج در این بند را برای تسری، اصلاح یا اطلاق قوانین انجام و ظرف یک سال پس از ابلاغ، این برنامه را به هیئت وزیران ارائه نمایند. به موجب شق «ح» این بند وزارت اطلاعات مکلف به تهیه «لایحه حمایت از مخبران و شهود» شده بود. در

۱- دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی؛ رییس دادگستری شهرستان دهقان-hamid_65rauf@yahoo.com

سال ۱۳۸۳ نیز قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب رسید. به موجب بند «ج» ماده ۱۳۰ این قانون، قوه قضاییه مکلف به تدوین «لایحه حمایت از شهود و بزه دیدگان» شد.

در هنگام تدوین لایحه آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در خصوص تدوین لایحه‌ای جداگانه برای حمایت از شهود و بزه دیدگان یا درج مقررات حمایت از شهود در لایحه آیین دادرسی کیفری اختلاف نظر بود. استدلال طرفداران اعمال مقررات حمایت از شهود در لایحه آیین دادرسی کیفری آن بود که در کشورهای دارای حقوق نوشته، بعد از قانون اساسی که اصول کلی و حقوق بنیادین را بیان می‌کند، منبع اولیه و منشور اصلی تبیین و بیان حقوق و تکالیف اصحاب دعوی و مراجع قضایی و اجرایی، قانون آیین دادرسی کیفری است تا با کنار یکدیگر گذاردن این حقوق و تکالیف و تضمینات مذکور برای افراد درگیر، منصفانه بودن دادرسی را تضمین نماید. با بررسی قوانین کشورهای دارای حقوق نوشته مشخص می‌شود که این کشورها، عمدتاً جایگاه اصلی بحث حقوق بزه‌دیدگان و شهود را همگی در قوانین آیین دادرسی دانسته‌اند. چنان که در فرانسه نیز از مواد ۷۰۶-۵۷ تا ۷۰۶-۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری به بحث حمایت از شهود پرداخته شده است. اما در کشورهای تابع سیستم کامن لا مانند آمریکا، کانادا، انگلستان، استرالیا از آنجا که قانون منسجمی به نام قانون آیین دادرسی کیفری وجود ندارد، قوانین مستقلی به نام قانون حمایت از شهود را تصویب نموده‌اند. لذا، با توجه به اینکه ایران جزء نظام‌های حقوق نوشته و دارای قانون مستقل آیین دادرسی است، شایسته است حمایت‌ها و حقوق تمامی افراد دیگر در فرایند کیفری در این قانون ذکر شود و نیازی به تدوین لایحه جداگانه نیست.

در مقابل عده‌ای بر این باور بودند که با توجه به تکلیف مندرج در قانون برنامه چهارم، لایحه حمایت از شهود و بزه‌دیدگان باید جداگانه تدوین شود و به این تکلیف قانونی عمل شود. همچنین موضوع حمایت از شهود امروزه چنان ابعاد وسیعی پیدا کرده که قانون آیین دادرسی کیفری که صرفاً ضوابط ناظر بر فرایند دادرسی و حقوق و تکالیف اصحاب دعوا را مشخص می‌کند، نمی‌تواند پوشش دهنده تمام ابعاد موضوع باشد. برای مثال مقررات حمایت از شهود در مراحل قبل یا بعد از فرایند دادرسی یا مقررات مربوط به حمایت از بستگان و خویشان شاهد در فرایند دادرسی را نمی‌توان در آیین دادرسی کیفری منعکس کرد. لذا تدوین لایحه جداگانه برای حمایت از شهود ضرورت دارد. (کاظمی و طهماسبی، ۱۳۹۰، ۴۰)

در نهایت طبق نظر گروه اول در تدوین این مقررات؛ اقدام و موضوعات مربوط به حمایت از شهود، در لایحه قانون آیین دادرسی کیفری در قوه قضاییه تدوین شد. با توجه به اینکه در این قانون حقوق شاهد در مرحله دادرسی به ضوابط پیش‌بینی شده در مرحله تحقیقات مقدماتی ارجاع شده است^۲، لذا این حقوق و حمایت‌ها در سه دسته کلی به شرح جبران خسارات مالی، حمایت از امنیت روانی و حمایت از امنیت جسمانی شاهد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. حمایت در راستای جبران خسارات مالی وارده به شاهد

پرداخت خسارت به شاهد در صورتی که متحمل خسارتی شده باشد و از محکمه تقاضای جبران خسارت نیز نموده باشد، از جمله شیوه‌های حمایتی غیر کیفری است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. چه بسا شهود برای ادای شهادت مجبور شوند، یک یا چند روز کاری خود را تعطیل نموده و برای رفت و آمد به دادگاه هزینه نیز پرداخت نمایند. به بیان دیگر کار خود را برای کمک

۲- تبصره ۳ ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «ترتیبات مقرر در این ماده و تبصره ۱ آن در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز اجرا می‌شود.»

به عدالت قربانی می‌کنند. بنابراین در صورتی که شهود ادعای خسارت و جبران ضرر و زیان حاصله از ادای شهادت را نمایند، دستگاه عدالت کیفری به منظور حمایت از آنها باید خسارات وارده به آنها را جبران نماید.

در همین راستا در ماده ۲۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر گردیده است: «در صورتی که شاهد یا مطلع برای حضور خود درخواست هزینه ایاب و ذهاب کند یا مدعی ضرر و زیانی از حیث ترک شغل خود شود، بازپرس هزینه ایاب و ذهاب را طبق تعرفه‌ای که قوه قضائیه اعلام می‌کند و ضرر و زیان ناشی از ترک شغل را در صورت لزوم با استفاده از نظر کارشناس تعیین و شاکی را مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری می‌نماید. هرگاه شاکی، به تشخیص بازپرس توانایی پرداخت هزینه را نداشته یا احضار از طرف بازپرس باشد، هزینه‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت می‌شود. هرگاه در جرایم قابل گذشت، شاکی با وجود ملائت از پرداخت هزینه‌های مذکور در این ماده خودداری کند، استماع شهادت یا گواهی مطلعین معرفی شده از جانب وی به عمل نمی‌آید. اما در جرایم غیر قابل گذشت، هزینه‌های مذکور به دستور بازپرس از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت می‌شود. هرگاه متهم متقاضی احضار شاهد یا مطلع باشد، هزینه‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت می‌شود.»

توجه به مفاد این ماده نشان می‌دهد که قانون‌گذار درصدد بوده است تا در هر صورت خسارت وارده به شاهد جبران گردد؛ لذا اگر شاکی قادر به جبران خسارت نباشد یا دادگاه متقاضی حضور شاهد باشد، جبران خسارت از طریق اعتبارات مصوب قوه قضائیه صورت می‌پذیرد.

در عالم تئوری، ایرادی که در خصوص ماده ۲۱۵ از قانون مطرح است این است که قانون‌گذار می‌بایست طبق یک قاعده عمومی هزینه‌های مرتبط با کشف جرم و از جمله هزینه‌های ناظر به تحصیل دلیل که مصداق بارز آن شهادت شهود است، به صورت مطلقی به عهده حاکمیت و قوه قضائیه می‌گذاشت؛ بنابراین تحمیل این هزینه‌ها بر بزه دیده دور از منطبق حقوقی است. (باقری‌نژاد، ۱۳۹۵، ۱۱۹)

همین ایراد در عالم تئوری را شاید بتوان حسن در عالم اجرا محسوب کرد. زیرا که امروزه به دلیل شرایط اقتصادی، دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی ارتزاق می‌نمایند با کمبود جدی بودجه مواجه هستند و عملاً امکان جبران خسارت شهود از طریق اعتبارات مصوب قوه قضائیه به همین دلیل مقدور نمی‌باشد؛ حداقل مسئولیت بزه‌دیده بر جبران خسارت در موارد خاص، باعث می‌شود خسارت‌های شهود تا حدودی جبران شود. بسیار پسندیده بود که قانون‌گذار بر حق بزه دیده مبنی بر مراجعه به محکوم در صورت حاکمیت در دعوی کیفری، تأکید می‌نمود.

در همین راستا در بند «ت» ذیل ماده ۱ از آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان ضرر مالی را هر گونه صدمه به اموال یا حقوق مالی، قلمداد کرده است. در هر صورت اگر چه به صورت بالقوه این امکان برای شهود مقرر شده تا خسارات وارده بر ایشان جبران گردد اما در عمل با توجه به تشریفات اداری خسته‌کننده و طولانی، شهود از خیر آن گذشته و عطایش را به لقایش می‌بخشند. مزید بر مشکلات فوق، عدم تعیین تعرفه از سوی قوه قضائیه موجبات مغفول ماندن این ماده و عدم ایجاد رویه در محاکم در این خصوص شده است. همچنین غفلت آیین‌نامه اجرایی از پرداختن به موضوع جبران خسارات مالی جای نقد داشته و

نیازمند اصلاح اساسی مدنی باشد. در هر صورت مطالبه خسارت حسب ماده بدون ارائه دادخواست و طرح دعوی حقوقی، در ضمن پرونده کیفری صورت خواهد گرفت.

مطابق با رویه‌های بین‌المللی در مواردی در راستای حمایت از شاهد می‌توان شغل جدیدی برای شاهد فراهم نمود تا مجرمین نتوانند به شهود دسترسی پیدا کنند. در این حالت، اگر از شغل جدید، دستمزد کمتری نصیب شاهد شود و در واقع، شاهد به نوعی خسارت ببیند، این خسارت می‌بایست توسط دستگاه قضایی جبران شود که طبیعتاً لازمه اجرای این شیوه حمایتی، تصویب اتخاذ این نوع حمایت در قانون و تعیین منابع لازم برای اجرای آن است.

منظور از پرداخت خسارت به شاهد، پرداخت دستمزد در ازای دادن شهادت نیست زیرا شهادت یک وظیفه اخلاقی بوده و قابل برآورد مالی نیست. اما در عین حال در جهت حمایت از شاهد می‌توان خسارات وارده به او را جبران نمود. (Rassat, 2013, 402) این در حالی است که امروزه در مراجع انتظامی-اطلاعاتی فرد مخبر در ازای ارائه اطلاعات، حقوق و دستمزد دریافت می‌نماید و در واقع، شغل و کار آنان، کسب اطلاعات و ارائه به مراجع ذی صلاح است. اگر چه حمایت از فرد نفوذی و مخبر نیز ضرورت دارد، اما دادن دستمزد به آنان به منظور حمایت از این اشخاص نیست، بلکه آنان حقوق خود را دریافت می‌دارند.

از سوی دیگر امروزه مفهوم مالکیت خصوصی یکی از پایه‌های اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد و لازمه حقوق و آزادی‌های مدنی اشخاص محسوب می‌شود. تردیدی وجود ندارد که مفهوم مال و مالکیت از تأسیسات اصلی جامعه و حمایت از آنها از اهداف مهم دولت‌ها به شمار می‌رود. به همین علت، همان گونه که آزادی‌های فیزیکی افراد، مانند تعیین نوع شغل یا محل اقامت مورد حمایت است، حقوق و منافع مالی افراد نیز باید مورد حمایت قرار گیرد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶، ۲۵)

تهدید به تزییع اموال اشخاص را می‌توان به نوعی تهدید به جان آنان دانست، زیرا در هر دو مورد، حریم وی مورد تجاوز قرار گرفته است؛ لذا تهدید شهود به از بین بردن اموال به دلیل ادای شهادت و کمک به اجرای عدالت می‌طلبد تا از اموال شهود حفاظت به عمل آید. این تدبیر حمایتی در قوانین داخلی مورد توجه واقع نگردیده، اما استفاده از این روش حمایتی در حقوق داخلی کشورها با توجه به تأثیر زیاد آن در حمایت از شاهد، ضروری به نظر می‌رسد و لازم است تا قانون‌گذار در ایران در راستای حمایت از شاهد مبادرت به تصویب مقرراتی در این زمینه نماید.

۲. حمایت در راستای تأمین امنیت روانی شاهد

اولین مؤلفه، رفتار کرامت آمیز با این همراهان با دستگاه قضایی است. در قانون آیین دادرسی کیفری اگرچه در قسمت مربوط به شهود و مطلعان، به طور خاص به چگونگی رفتار با شهود اشاره نشده است؛ اما در قسمت کلیات این قانون، ماده ۷ به صورت عام مقرر داشته است که کلیه مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، باید در تمام مراحل دادرسی کیفری، حقوق شهروندی مقرر در قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» را رعایت نمایند و برای متخلفان، علاوه بر جبران خسارت، مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ از قانون تعزیرات و

مجازات‌های بازدارنده
مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ را در صورت نبود مجازات شدیدتر در سایر قوانین در نظر گرفته است. در بند ۴ قانون حقوق شهروندی بر رفتار مناسب و توأم با اخلاق حسنه و موازین اسلامی با اصحاب دعوی و مطلعان تأکید شده است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظیفه محوله و برخورد با مردم لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً رعایت گردد.»

در خصوص نمونه‌هایی از مقررات قانونی که نمود تعهد قانون‌گذار به حفظ کرامت شهود می‌باشد؛ می‌توان به موارد مزبور در مواد ۲۰۵ و ۲۱۳ و ۲۱۶ و سایر مواد از قانون آیین دادرسی کیفری اشاره نمود.

مطابق با ماده ۲۰۵ از قانون آیین دادرسی کیفری: «در صورتی که شاهد یا مطلع از نیروهای مسلح باشد، باید حداقل ۲۴ ساعت پیش از تحقیق یا جلسه محاکمه از طریق فرمانده یا رئیس او دعوت شود. فرمانده یا رئیس مربوط مکلف است پس از وصول دستور مقام قضایی، شخص احضار شده را در موقع مقرر بفرستد.» دعوت از طریق مقام مافوق و تکلیف وی بر اعزام شاهد در وقت تعیین شده به دادگاه؛ باعث می‌شود شخص فرمانده نسبت به تنظیم و تغییر ساعات گشت و شیفت اداری- نظامی اقدام نموده و چنانچه شاهد در ساعت مزبور موظف به حضور در محل کار خود بوده است، بدون دغدغه و نگرانی ناشی از موقعیت و وظیفه شخصی خود در دادگاه جهت ادای شهادت حاضر شده و این خود نوعی احترام و رعایت کرامت وی می‌باشد.

از مهم‌ترین نمودهای برخورد کرامت‌مدار با شاهد، عدم امکان بر تلقی وی به عنوان متهم می‌باشد. متأسفانه در رویه دادرها گاه مشاهده می‌شد که مشتکی‌عنه را بدلیل عدم کفایت ادله تحت عنوان مطلع احضار می‌نمودند و متعاقب حضور وی در جلسه تحقیقات مقدماتی و سؤالاتی اندک همزمان، با قطعی‌تر شدن دلایل مبادرت به تفهیم اتهام و اخذ تأمین از مطلع می‌نمودند؛ حال آن که در درجه اول مطلع مقدمات دفاع از خود را تدارک ندیده بوده و قطعاً نمی‌توانست دفاع موثری از خود داشته باشد و در درجه بعد چنانچه نامبرده از صدور قرار پس از تفهیم اتهام خود مطلع می‌بود نسبت به آماده کردن کفیل یا وثیقه‌گذار تا قبل از جلسه تحقیق، اقدام می‌نمود. نتیجه عملی این اقدام بازداشت قسمتی از مطلعین بود.

قانون‌گذار در ماده ۲۱۳ در سال ۱۳۹۲ به این رویه عملی خاتمه داد. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده از قبیل شاهد یا مطلع ممنوع است و چنانچه این شخص پس از تحقیق در مظان اتهام قرار گیرد، باید طبق مقررات و به عنوان متهم برای وقت دیگری احضار شود.» البته می‌بایست قید نمود چنانچه مطلع شخصاً این حق قانونی خود را اسقاط و آمادگی خود را جهت تفهیم اتهام و دفاع اعلام نماید، مرجع تحقیق، به تحقیق از وی تحت عنوان متهم - با قید مراتب فوق- ورود می‌نماید.

۳- ماده ۵۷۰ از قانون تعزیرات: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

از دیگر نمودهای برخورد همراه با کرامت با شهود، تکلیف مقرر قانونی در برخورد با شهود سالمند و بیمار می‌باشد. مطابق با ماده ۲۱۶ از قانون مزبور: «در صورتی که شاهد یا مطلع به عللی از قبیل بیماری یا کهولت سن نتواند حاضر شود و یا تعداد شهود یا مطلع مشخصان، زیاده‌اند و در یک یا چند محل باشند و همچنین هرگاه امنیت و فوریت امر اقتضا کند، بازپرس در محل حضور می‌یابد و مبادرت به تحقیق می‌کند.» در طی ماده فوق، قانون‌گذار به خوبی اهمیت شهادت و ارزش همکاری و همراهی شهود با دستگاه عدالت کیفری را درک کرده و مقام قضایی را مکلف به حضور در محل نموده است. اقدامی که در رویه عملی، با عنایت به تراکم پرونده‌ها در محاکم و حجم بالای مراجعین، مهجور مانده و چنانچه مقام قضایی مبادرت به ترک شعبه تحت تصدی خود جهت امر مزبور نماید نارضایتی سایر مراجعین را همراه خواهد داشت؛ لذا در عمل این امر صرفاً برای پرونده‌های بسیار مهم و به صورت نادر اتفاق می‌افتد.

اخذ اظهارات شاهد، بدون الزام وی به اتیان سوگند و همچنین عدم اجبار وی به ادای شهادت از جمله دیگر مواردی است که می‌توان در راستای برخورد همراه با احترام با شاهد تفسیر نمود. ماده ۲۱۲ از قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «اظهارات شهود و مطلعان در صورتمجلس قید می‌شود، سپس متن آن قرائت می‌گردد و به امضا یا اثر انگشت شاهد یا مطلع می‌رسد و چنانچه از امضا یا اثر انگشت امتناع یا از ادای شهادت خودداری ورزد یا قادر به انجام آن نباشد، مراتب در صورتمجلس به امضای بازپرس و منشی می‌رسد.» و مطابق تبصره آن: «بازپرس ملکف است از شاهد یا مطلع علت امتناع از امضا یا اثر انگشت یا ادای شهادت را بپرسد و پاسخ را در صورتمجلس قید کند.»

مطابق با ماده مزبور و توضیحات سابق، قانون امکان جلب شاهد در موارد عدم حضور وی را تدبیر نموده است اما از سوی دیگر در مواردی که شاهد تمایلی جهت ارائه شهادت و اظهارات خود ندارد، محکمه نمی‌تواند وی را ملزم به ادای شهادت نماید. با این تدبیر از سوئی از ارائه شهادت‌های کذب جلوگیری می‌شود و از سوی دیگر کرامت و احترام شاهد به عنوان یک انسان حفظ شده است؛ همچنان که این حقوق برای متهم و عدم الزام جهت اقرار وی در قانون در نظر گرفته شده است.

تعیین مترجم برای شاهد جهت ارتباط هر چه مؤثرتر با محکمه از جمله دیگر اقدامات حمایتی در راستای حفظ کرامت و احترام به وی می‌باشد. ماده ۲۰۰ از قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مورد وثوق نیست.» ماده ۲۰۱ نیز همین اقدامات را برای شاهد و مطلعی که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد در نظر گرفته است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که ناشنوا است و یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. چنانچه افراد مذکور قادر به نوشتن باشند، منشی شعبه سوال را برای آنان می‌نویسد تا به صورت کتبی پاسخ دهند.» از طرق مزبور امکان ارتباط موثر و انتقال مطلب برای شاهد و مطلع فراهم است.

جلوگیری از افشا اطلاعات خصوصی شاهد نیز، از جمله دیگر مؤلفه‌های احترام به وی به عنوان همکار با دستگاه قضایی به شمار می‌رفت. متأسفانه در قانون ایران، این امر در مورد شهود که در تحقق عدالت نقش موثری دارند مغفول مانده است. صرفاً می‌توان تحت شمول قواعد کلی، شهود را از محفوظ ماندن اسرارشان آسوده خاطر کرد.

ماده ۳۹ منشور حقوق شهروندی مقرر می‌دارد: «حق شهروندان است که از اطلاعات شخصی آنها که نزد دستگاه‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی اسرار، حفاظت و حراست شود. در اختیار قرار دادن و افشای اطلاعات شخصی افراد ممنوع است و در صورت لزوم به درخواست نهادهای قضایی و اداری صالح، منحصرأ در اختیار آنها قرار می‌گیرد. هیچ مقامی و مسؤولی حق ندارد بدون مجوز صریح قانون، اطلاعات شخصی افراد را در اختیار دیگری قرار داده یا آنها را افشا کند.» بند ۱۱ از قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ نیز به نوعی دیگر به این امر پرداخته است.^۴

در قانون آیین دادرسی کیفری نیز با توسل به عموماًت قانون می‌توان با رقه‌های امیدی یافت. ماده ۷ از قانون مزبور به نوعی پشتیبان و ضمانت اجرای بند ۱۱ محسوب می‌گردد و می‌توان در خصوص متخلفان اسرار شخصی شاهد و مطلع اعمال گردد. علاوه بر آن ماده ۹۱ از قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «... کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ اسرار هستند و در صورت تخلف به مجازات جرم افشا اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند.»

همان گونه که ملاحظه شد در خصوص برخورد همراه با کرامت با شاهد در قانون آیین دادرسی کیفری، بیشتر می‌بایست به عموماًت توسل یافت. عدم وجود مقرره صریح قانونی در این خصوص و معطل ماندن شهود و مطلعین در دادرسی و محاکم تا رسیدن وقت رسیدگی - خصوصاً در مرحله دادرسی - در صورتی که ایشان صرفاً به همکاری جهت کشف حقیقت با مرجع قضایی به پا ایستاده‌اند جای نقد جدی دارد.

۴- بند ۱۱ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳/۲/۱۵: «... از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر موثر در پرونده مورد بررسی، احتراز گردد.»

۳. حمایت در راستای تأمین امنیت جسمانی شاهد

قانون‌گذار می‌بایست تدابیری اتخاذ کند تا شهود به دور از هر گونه هراسی از خطرات احتمالی نسبت به جسم خود، به ادای شهادت مبادرت ورزند. از جمله این تدابیر، اخفا هویت شاهد و اتخاذ تدابیر حفاظتی است. مطابق با بند «ب» ذیل ماده ۱ آیین‌نامه اجرائی حمایت از شهود و مطلعان، خطر جانی، هرگونه خطر وارد شدن صدمه به تمامیت جسمانی تعریف شده است. در این قسمت به تدابیر قانون‌گذار ایرانی در این خصوص طی دو قسمت به شرح اخفا هویت شاهد و حفاظت فیزیکی از وی پرداخته می‌شود.

۳-۱. اخفا هویت شاهد

اقدامات اساسی در راستای اخفا هویت شاهد از جمله مهم‌ترین نوآوری‌های قانون‌گذار در قانون مصوب ۱۳۹۲ است که به جد جای خالی آن در قوانین احساس می‌شود. بسیار اتفاق می‌افتد که شهود از ترس انتقام‌های بعدی مجرم یا گروه وی، از حضور در محکمه و ادای شهادت امتناع می‌ورزیدند. قانون‌گذار به خوبی ضرورت این موضوع را درک کرده و در ماده ۲۱۴ از قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری می‌باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند:

الف) عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم

ب) عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع

پ) استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور ...»

بندهای مزبور همگی تدابیر قانون‌گذار در راستای مخفی ماندن هویت شاهد به شمار می‌آیند.

از آن جا که اخفا هویت شاهد از جمله مهم‌ترین نمودهای حمایتی از شهود به شمار می‌آید، قسمت عمده‌ای از آیین‌نامه را نیز به خود اختصاص داده است. فصل سوم از آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان به صراحت به این موضوع پرداخته است.

ماده ۸ از آیین‌نامه گرچه مطابق با اصول مسلم حقوقی، اصل را بر اطلاع متهم از هویت شهود قرار داده است با این وجود این حق را برای مقام قضایی رسیدگی کننده قائل شده تا چنانچه بیم خطر در صورت افشای اطلاعات مزبور وجود داشته باشد، امکان حفظ هویت شاهد مقدور باشد. ماده مزبور اعلام می‌دارد: «... مگر اینکه به نظر قاضی رسیدگی کننده بیم خطر در صورت افشای اطلاعات مذکور نیز وجود داشته باشد که در این صورت مقام قضایی باید از انعکاس و افشا اطلاعات مذکور خودداری کند.» مطابق با بند الف از ماده یک نیز بیم خطر «هرگونه احتمال خطر در مورد شاهد یا مطلع به طوری که در صورت عملی شدن آن، موجب بروز صدمه یا ضرر حداقل یک مورد از موارد مذکور در بندهای (ب) تا (ت)»^۵ این ماده به شاهد یا مطلع یا اعضا خانواده^۶ آنها گردد، به نحوی که احتمال خطر با توجه به مواردی مانند نوع خطر، موضوع خطر و شخصیت شاهد و مطلع و ایجاد کننده خطر به طور متعارف، قوی باشد» تعریف شده است.

۵- خطرهای جانی، حیثیتی، ضرر مالی

۶- مطابق با بند ث از ماده ۱ آیین‌نامه خانواده قربانی نسبی و سببی تا درجه دوم از طبقه دوم تعریف شده است.

گاهاً اتفاق می‌افتد که متعاقب عدم انعکاس هویت شاهد در پرونده، گرچه مجرم از مشخصات اصلی - هویتی شاهد بی‌اطلاع است اما از طریق مشخه‌های شغلی - خانوادگی وی نسبت به شناسایی شاهد اقدام و در مقام انتقام از وی بر می‌آید. این موضوع را قانونگذار با _____ نذر _____ خ _____ ر _____ بی _____ درک کرده و علاوه بر بند ب از ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری که حکم بر ممنوعیت افشای آن‌ها داده است در ماده ۹ از آیین‌نامه مربوطه نیز، عدم افشای اطلاعات را، ناظر به تمامی مواردی دانسته است که موجب شناسایی شاهد یا مطلع یا خانواده وی _____ گ _____ ر _____ د _____ د. _____ م _____ ز _____ ب _____ ر _____ ا _____ ط _____ ا _____ ع _____ ا _____ ت _____ شاهد را «... اعم از هویت، مشخصات خانوادگی محل سکونت، اشتغال، یا نوع فعالیت یا هر امر دیگر» تلقی نموده است.

حال سؤال این جاست از آنجا که رسیدگی‌های کیفری به صورت مرحله‌ای و ابتدا در دادسرا سپس در دادگاه صورت می‌گیرد چنانچه بازپرس از انعکاس هویت شاهد در برگ بازجویی امتناع نماید و دادگاه در مقام رسیدگی نیازمند استماع شهادت شهود جهت اقتناع وجدانی باشد تکلیف چیست؟ دادگاه چگونه می‌تواند به هویت شاهد دست یابد و به بیان دیگر رویه اجرایی جهت حفظ هویت شهود در محاکم چیست؟

ماده ۲ از آیین‌نامه تکلیف موضوع را روشن نموده است. مطابق با ماده ۲ از آیین‌نامه: «مقام قضایی پس از تشخیص و اتخاذ تصمیم به عدم افشای اطلاعات، مشخصات واقعی شاهد یا مطلع را بدون ثبت در پرونده به واحد حمایت از امنیت شهود و مطلعان اعلام نموده و برگه‌ای با کد مخصوص دریافت می‌دارد که در تمامی اوراق بازجویی و صورتجلسات، این مشخصات ذکر خواهد شد. احضار چنین شاهد و مطلعی با دستور مقام قضایی صرفاً از سوی واحد مذکور و از طریق ضابطانی که برای این امر اختصاص خواهند یافت صورت می‌گیرد.» گرچه واحد حمایت از امنیت شهود و مطلعان مطابق با ماده ۲ آیین‌نامه در هر حوزه قضایی زیر نظر رییس حوزه تأسیس می‌گردد اما در عمل در تعداد کمی از حوزه‌های قضایی تشکیل و از سوی دیگر سامانه یکپارچه الکترونیکی مقرر در تبصره ماده ۱۲ آیین‌نامه که جهت ثبت هویت این گونه شهود بر عهده مرکز آمار و انفورماتیک قوه قضائیه قرار گرفته است هنوز تهیه و تدوین نشده است.

نکته دیگری که قانونگذار بر آن توجه ویژه داشته است عدم افشای اطلاعات شاهد برای تمامی اشخاص درگیر در پرونده اعم از شاکی یا متهم یا وکیل آنها و سایر افراد دخیل در پرونده می‌باشد.^۷

امروزه از تدابیر فوق در پرونده‌های مهم سازمان یافته یا جرائم خشن به صورت محدود استفاده می‌شود که لزوم اطلاع‌رسانی و آموزش به قضات و گذشت زمان جهت هر چه بهتر اجرائی شدن این گونه برنامه‌ها احساس می‌شود.

عدم مواجهه حضوری بین شاهد و طرفین پرونده از جمله دیگر اقداماتی است که موجبات حفظ هویت و اطلاعات شهود را فراهم می‌سازد. هر چه برخورد و تعامل میان شاهد با طرفین پرونده کمتر شود، احتمال افشا هویت وی نیز کاهش می‌یابد. از جمله اصول حاکم بر تحقیقات مقدماتی، محرمانه بودن فرآیند تحقیق است که به صراحت در ماده ۹۱ از قانون آیین دادرسی کیفری نیز به آن اشاره شده است. مطابق با ماده مزبور تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت گرفته و کلیه اشخاص که در

۷- ماده ۱۱ از آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مقرر می‌دارد: «عدم افشای اطلاعات شاهد یا مطلع یا خانواده وی در صورت احراز شرایط مذکور در ماده ۲۱۴ قانون، مطلق بوده و اطلاعات مزبور برای هیچ شخصی اعم از شاکی یا متهم یا وکیل آنها یا سایر افراد نباید افشا شود.»

جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغل و حرفه ای مقدر در ماده ۶۴۸ از قانون تعزیرات محکوم خواهند شد.

به صورت خاص، ماده ۲۰۷ و ۲۰۶ از قانون مزبور به تحقیق از شهود به صورت غیر علنی تا قبل از رسیدگی در دادگاه اشاره داشته و مقرر می‌دارد: «بازپرس از هر یک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌کند و منشی اطلاعات ایشان را ثبت می‌کند و به امضا یا اثر انگشت آنان می‌رساند. تحقیق مجدد از شهود و مطلعان در موارد ضرورت یا مواجهه آنان بلامانع است. دلیل ضرورت باید در صورت مجلس قید شود.»

به نظر می‌رسد یکی از اهداف قانونگذار از تقریر مواد فوق، جلوگیری از شناخته شدن هویت شهود و محتوای شهادت آنها تا مرحله دادگاه باشد تا متهم و کسان او با اطلاع از محتوای شهادت و هویت شاهد، او را از ادای شهادت در دادگاه منصرف نکنند و یا خطری جسمانی برای وی ایجاد نکنند؛ با این وجود اما همان گونه که ملاحظه می‌شود، عدم مواجهه شاهد با متهم که در مواد فوق به آن اشاره شده، مختص مرحله تحقیقات و پیش از دادرسی می‌باشد و قابلیت تعمیم به مرحله رسیدگی در دادگاه را نخواهد داشت.

از مفهوم مخالف ماده ۲۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری این گونه بر می‌آید که تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعان در مرحله رسیدگی در دادگاه علنی است. در توضیح مفهوم مخالف این ماده باید گفت که آن اشاره به یک اصل دارد که این اصل با توجه به فحوی ماده ۲۱۴ قانون تخصیص خورده است؛ بنابراین با توجه به بند الف ماده ۲۱۴ و تبصره ۳ آن باید گفت در صورتی که مواجهه شاهد و متهم در مرحله دادگاه، امنیت شهود را به مخاطره بیندازد، باید از مواجهه آنها جلوگیری به عمل آورد؛ اما چگونگی انجام این عمل بر عهده خود مقام قضایی است که با توجه به امکانات و شرایط چه اقدامی را مناسب تشخیص می‌دهد. برای مثال او می‌تواند اظهارات شهود را قبل از برگزاری جلسه رسمی دادگاه در اتاق خود استماع کند و یا از مانعی - مانند پرده - برای این منظور استفاده کند و یا هر اقدام دیگری که این هدف را محقق می‌سازد. شاید رایج‌ترین روش حمایتی از شهود به دلیل کم‌دردس بودن و کم‌هزینه بودن آن، همین باشد. به همین دلیل در رویه دادگاه‌ها بیشتر شاهد این نوع حمایت هستیم. (کوشکی و امینی، ۱۳۹۶، ۱۲۸) غیر علنی نمودن رسیدگی در دادگاه نیز از جمله تدابیری است که می‌توان به آن جهت حمایت از هویت شهود تمسک جست.

اجرای عدالت و دادرسی منصفانه می‌طلبد تا جلسات دادگاه علنی برگزار شود. علنی بودن دادرسی یکی از مهم‌ترین وسیله‌هایی است که می‌تواند امنیت قضایی را تضمین نماید. در واقع، یکی از اصول راهبردی جلسه دادگاه علنی بودن آن است. منظور از علنی بودن دادرسی این است که افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شوند و چگونگی روند رسیدگی را از نزدیک ببینند. علنی بودن دادرسی باعث می‌شود مردم به اجرای دقیق و وجود عدالت قضایی واقعی اطمینان خاطر پیدا کنند. در این صورت است که مطبوعات و رسانه‌های گروهی می‌توانند افراد جامعه را از روند رسیدگی آگاه ساخته تا مردم عملکرد دادگستری را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند.

اهمیت برگزاری جلسه دادرسی به صورت علنی در حدی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۶۵ به آن اشاره شده است. «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است...» که این موضوع در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

با این وجود، در برخی موارد ضرورت دارد تا جلسه دادگاه به صورت غیر علنی برگزار شود. در واقع، غیر علنی بودن رسیدگی اشعار گردیده «... در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری پس از بیان علنی بودن رسیدگی اظهار می‌دارد: مگر در جرایم قابل گذشت که طرفین یا شاکی غیر علنی بودن محاکمه را درخواست کنند همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان قرار غیر علنی بودن محاکمه را در موارد زیر صادر می‌کند:

الف) امور خانوادگی و جرایمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

ب) علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی و یا قومی باشد...

این بدان معناست که اگر چه در این قانون اصل بر علنی بودن رسیدگی است، اما قانونگذار مجموعه‌ای از استثنائات را هم پیش‌بینی کرده است که در این حالت دادگاه به صورت غیر علنی برگزار می‌شود. از آنجا که در بسیاری از پرونده‌های جرایم جنسی سازمان یافتگی یا جرایم دیگر، بزه دیده خود تنها شاهد جرم است، غیر علنی بودن جلسه دادرسی می‌تواند یکی از ابعاد حمایتی از شهود و بزه دیده باشد. شاید بتوان گفت، از آنجا که شاهد به عنوان شخص ثالث در جلسه دادرسی حضور می‌یابد و هدف او کمک به احقاق حق و اجرای عدالت و دادگستری است در صورتی که کرامت انسانی و منافع او به عنوان شخص ثالث در معرض تهدید قرار گیرد، دادگاه بتواند جلسه دادرسی را به صورت غیر علنی برگزار نماید. (مقدم عامر، ۱۳۹۴، ۲۷۰)

ماده ۳ از آیین‌نامه نیز مقرر نموده: «مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با طرفین دعوی، طبق قانون مجاز است، لیکن در صورت بیم خطر، مقام قضایی می‌تواند از قبول درخواست شاکی یا متهم مبنی بر مواجهه حضوری شاهد یا مطلع با طرفین دعوی خودداری نماید.»

به نظر مخالفان غیر علنی بودن جلسه دادرسی، برگزاری جلسه دادگاه به صورت غیر علنی، در برخی موارد حق مواجهه شاهد با متهم را از بین برده و منافی حقوق متهم است. در پاسخ باید گفت آنچه که در راستای حفظ حقوق دفاعی متهم اهمیت دارد این است که متهم از اظهارات شاهد آگاه شود و لزوماً نباید خود سخنان شاهد را استماع کند. مفاد اظهارات شاهد می‌تواند توسط قاضی و یا وکیل مدافع متهم به اطلاع او برسد. حمایت از حقوق بزه دیدگان و منافع اجتماع می‌طلبد تا در صورت لزوم در شیوه تحصیل شهادت در جلسه دادرسی تغییراتی به وجود آید. (باقری نژاد، ۱۳۸۷، ۷۹)

استماع شهادت از طریق وسائل ارتباط از راه دور نیز می‌تواند موجبات اخفای هویت شاهد را فراهم آورد. مطابق با تبصره ۲ ماده ۲۰۴ از قانون آیین دادرسی کیفری «در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، تحقیق از آنان می‌تواند به صورت الکترونیکی و با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی به عمل آید.»

ماده ۱۵ از آیین‌نامه در همین راستا تدبیر نموده: «در مواردی که مقام قضایی در راستای حمایت از شهود و مطلعان تصمیم به عدم افشای اطلاعات آنها بگیرد و احتمال شناسایی شاهد یا مطلع از طریق صوت یا تصویر وی وجود داشته باشد، مقام قضایی باید تدابیری جهت جلوگیری از افشا هویت شاهد و مطلع اتخاذ نماید.» اقدامات فوق، می‌تواند تا حد زیادی از طریق اخفای هویت شاهد موجبات امنیت جسمانی شاهد را فراهم آورد.

۲-۳. حفاظت فیزیکی از شاهد

تبصره ۱ از ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد، مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، بازپرس به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند...» ترتیبات اجرای ماده مزبور در مرحله دادرسی و دادگاه نیز بر اساس آیین‌نامه مربوطه می‌باشد.

فصل پنجم از آیین‌نامه طی مواد ۱۷ و ۱۸ به این مهم پرداخته است. اجرای برنامه‌های حمایت امنیت فیزیکی بر عهده واحد حمایت از امنیت شهود با همکاری مرکز حفاظت اطلاعات قوه قضائیه و ضابطان دادگستری در راستای پیشگیری از بروز مخاطرات جانی، حیثیتی و مالی علیه شاهد یا مطلع و خانواده آنان می‌باشد. واحد مزبور می‌تواند تدابیر ذیل را در نظر بگیرد:

- گشت‌های منظم پلیس به صورت نمایان یا به نحو پنهانی از محل کار یا سکونت و مسیر تردد شهود یا مطلعان یا خانواده آنها
- نظارت بر محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی و نصب تجهیزات الکترونیکی حفاظتی مانند دوربین‌های مدار بسته در محل کار یا سکونت ایشان یا نصب درب‌های ایمنی، با رضایت کتبی آنان.
- در اختیار قرار دادن تجهیزات تماس سریع با مراجع مربوط
- آموزش تدابیر دفاع شخصی و حفاظت از سلامت جسمی و روحی و روانی به شهود و مطلعان و خانواده ایشان
- تغییر مکان

این امر که قانون‌گذار کنترل مراودات غیر عمومی شاهد را منوط به رضایت شاهد آن هم به صورت کتبی نموده قابل تحسین است. تجهیزات تماس سریع نیز مانند شماره‌های تلفن خاص یا چیزی مشابه آن سیستمی که در بانک‌ها جهت آگاهی سریع به مراجع انتظامی در موارد سرقت‌های مسلحانه تعبیه شده است تعبیر می‌گردد.

تبصره ماده ۱۷ آیین‌نامه نیز، تسلیم و استفاده از افشانه‌های دفاع شخصی به شاهد را برابر قوانین و مقررات مجاز دانسته است حال آنکه منظور قانون‌گذار از قوانین و مقررات بصراحت مشخص نمی‌باشد از سوی دیگر افشانه دفاع شخصی از جمله وسائل دفاعی سرد و سبک بوده که امروزه به راحتی در اختیار شهروندان - حال به هر طریق - قرار دارد و بیم آن می‌رود که درگیر نمودن شاهد در فرآیند اخذ مجوزات قانونی موجبات دلسردی وی یا احتمال مواجهه ایشان با خطر را تسهیل نماید.

ماده ۱۷ آیین‌نامه، تغییر شغل را به صراحت در ردیف اقدامات حمایتی قید نکرده است گرچه در تبصره ۲ قید شده است: «چنانچه تغییر مکان شاهد یا مطلع مستلزم تغییر شغل کارکنان دولت باشد مطابق قوانین و مقررات مربوط عمل خواهد شد.» اما با این وجود باز هم منظور قانون‌گذار از قوانین و مقررات مربوط مشخص نمی‌باشد. از سوی دیگر چنانچه واحد مزبور که زیر نظر رئیس حوزه قضایی تشکیل می‌گردد؛ نظر بر تغییر نوع شغل و یا تغییر مکان اشتغال شاهد داشته باشد در عمل با دو مشکل جدی مواجه هست که تغییر شغل را غیر ممکن می‌سازد.

الف) رئیس حوزه قضایی، عضوی از بدنه‌ی قوه قضائیه بوده و چنانچه نظر بر تغییر شغل یا مکان اشتغال یک کارمند داشته باشد، عملاً با توجه به این امر که مجموعه ادارات دولتی، جدا از قوه قضائیه و وابسته به قوه مجریه می‌باشند آزادی عملی نخواهد داشت و تصمیم ایشان مبنی بر تغییر و عدم اجرای دستور وی، ضمانت اجرایی نخواهد داشت.

ب) چنانچه رئیس واحد، نظر بر تغییر شغل یا محل اشتغال یک کارمند بخش خصوصی داشته باشد این مشکل دو چندان خواهد بود.

شاید به دلیل همین امر بوده که در آیین‌نامه به این موضوع بصراحت اشاره نشده است اما با توجه به لزوم و ضرورت این موضوع در پرونده‌های مهم، بسیار پسندیده خواهد بود قانون‌گذار تصمیم واحد مزبور را برای قوه مجریه لازم‌الاتباع و برای آن ضمانت اجرا در نظر گیرد یا حداقل بالاترین مقام اجرایی هر شهرستان را نیز به عنوان عضوی از اعضای واحد جهت تصمیم‌گیری صرفاً در این خصوص که موضوعی فرا قوه‌ای می‌باشد در نظر بگیرد.

مشکل دیگر که بسیار جدی بوده و عملاً برنامه‌های حمایت از شهود را به سمت ارتقا کامل یا شکست پیش خواهد برد نبود بودجه لازم جهت اجرائی کردن این برنامه‌ها می‌باشد. مطابق به ماده ۱۸ آیین‌نامه، اعتبارات لازم برای اجرای این برنامه‌ها در اجرای ماده ۵۶۷ قانون همه ساله جهت درج در بودجه کل کشور از طریق معاونت راهبردی قوه قضائیه اقدام می‌شود. حال آنکه در عمل با عنایت به کسری بودجه دولت در سال ۹۷ و اینکه بودجه مزبور کفاف بسیاری از هزینه‌های جاری را نمی‌دهد؛ عملاً اجرای این گونه برنامه‌ها با مشکل جدی مواجه شده و به صرف اجرای بند اول ماده ۱۷ آیین‌نامه که هزینه‌بر نمی‌باشند یا اخذ یک تعهد کتبی از متهم مبنی بر عدم مزاحمت برای بزه دیده یا شاهد اکتفا می‌شود.

صدور قرار بازداشت موقت برای متهم نیز از جمله دیگر تدابیر قانون‌گذار جهت حفظ امنیت شهود و مطلعان می‌باشد. موارد صدور قرار بازداشت موقت بصراحت در ماده ۲۳۷ از قانون آیین دادرسی کیفری مورد اشاره قرار گرفته است اما صرف آن موارد کافی نبوده بلکه شرایط مزبور در ماده ۲۳۸ نیز می‌بایست احراز گردد. ماده ۲۳۸ از قانون صدور قرار بازداشت موقت را منوط به وجود یکی از شرایط زیر نموده است:

الف) آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر با شهود و مطلعان واقع گردد و یا سبب شود شهود از ادا شهادت امتناع ورزند.

ب) بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.

ج) آزاد بودن متهم محل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

قانون‌گذار به خوبی دغدغه خود مبنی بر حفظ جان شهود را در ماده مزبور نشان داده است. مطالب مزبور در فوق از جمله تدابیر قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری جهت حمایت از شاهد به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

نهاد حمایت از شاهد از جمله نهادهای نوپا در حقوق ایران می‌باشد که قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری و پس از آن آیین‌نامه مربوطه سعی در نهادینه نمودن آن در رویه عملی محاکم داشته است. با این وجود به دلایل مسایل و مشکلاتی این نهاد هم‌چنان مهجور مانده است که در ذیل پیشنهادهای جهت هرچه بهتر اجرایی شدن آن ارایه می‌شود.

- نبود ردیف بودجه خاص جهت اجرای برنامه‌های حمایتی موجبات تضعیف و فراموشی این نهاد را فراهم می‌سازد. تخصیص ردیف بودجه خاص از جمله ضروریات اجرای برنامه‌های حمایتی می‌باشد که به حیات این نهاد کمک فراوانی می‌نماید.
- تعیین تعرفه خاص توسط قوه قضائیه جهت هزینه ایاب و ذهاب و خسارات وارده به شاهد در راستای ماده ۲۱۵ از قانون آیین دادرسی کیفری موجبات جبران خسارات مالی به شهود را فراهم می‌سازد.
- تعیین ضمانت اجرا و مجازات برای دست اندرکاران برنامه‌های حمایت از شاهد که نسبت به اجرای ناصحیح یا افشای اطلاعات هویتی شهود تحت پوشش برنامه، اقدام می‌نمایند باعث اجرای جدی‌تر نهاد مزبور می‌شود.
- تقویت نهاد حمایت از شاهد در دادگستری‌ها و آموزش و توجه دادن قضات به اجرای این گونه برنامه‌ها با برگزاری کارگاه‌های مکرر آموزشی همزمان با راه اندازی سامانه یکپارچه الکترونیکی مقرر در تبصره ماده ۱۲ از آیین‌نامه حمایت از شهود در مطلعان جهت ثبت هویت شهودی که بنا بر اختفای هویت ایشان می‌باشد توسط مرکز آمار و انفورماتیک قوه قضائیه می‌تواند مؤثر واقع شود.

منابع

- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۵
- باقری نژاد، زینب، حمایت از شهود، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، موسسه شهر دانش، ۱۳۹۳
- دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد وین، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، بهترین راهکارها برای حمایت از شهود در پرونده‌های کیفری مربوط به جرایم سازمان یافته، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸
- رئوفیان نائینی، حمید، حمایت از شهود در چالش با حقوق دفاعی متهم، مجله حقوقی، دادگستری، شماره ۷۱، ۱۳۸۹، صص ۸۵-۶۳
- رئوفیان نائینی، حمید و مؤذن زادگان، حسنعلی، حمایت از امنیت شهود در فرآیند دادرسی کیفری، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۵۶، ۱۳۹۰، صص ۲۰۳-۲۲۵
- کاظمی، سید علی و طهماسبی، جواد، حمایت از شهود در لایحه آیین دادرسی کیفری، کارآگاه، شماره ۱۵، ۱۳۹۰، صص ۲۳-۴۴
- مقدم، عامر و آلبوحصار، جمال، حمایت از شهود در قوانین داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی، مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه، شماره ۴، ۱۳۹۶، صص ۲۶۲-۲۸۰
- میرمحمد صادقی، حسین، جزای بین‌المللی، مجموعه مقالات، تهران، میزان، ۱۳۹۴
- Ashworth, Andrew, Sentencing and Criminal Justice, London, Butterworths, 2000.
- Brady, Helen, "Protective and Special Measures for Victims and Witnesses", Transnational Publication, pp. 447-450.